انتخابات شوراها
نزدیک‌شدن با چراغ خاموش

با اینکه کمتر از دو هفته به انتخابات سراسری دوره‌ی دوم شوراها در کشور ما باقی مانده است، هنوز از شور عمومی برای شرکت در این انتخابات خبری نیست. در پایان انتخابات و پس از تحلیل آراء قطعاً می‌توان مستندتر به علل این پدیده پرداخت. اما از هم اکنون نیز کاملاً روشن است که قانون غیر دموکراتیک انتخابات شوراها مهم‌ترین عامل عدم استقبال شایسته از این انتخابات است. قانونی که برمبنای آن تنها اقتدارگرایان و «اصلاح‌طلبان» محافظه‌کار بی‌دغدغه توانسته‌اند خود را کاندید نمایند. این قانون حتا اصلاح‌طلبان میانه‌رو و رادیکال پیرو پروژه‌ی «مردم‌سالاری دینی» را که قاعدتاً نباید اعتقادی به ولایت فقیه آنهم از نوع مطلقه‌ی آن داشته باشند، برای کاندیداتوری به استفاده از اصل تقیه واداشت. با این وجود این بخش از اصلاح‌طلبان ضمانتی برای تایید صلاحیت نیافتند. با وجود حضور وسیع و غالب اصلاح‌طلبان حکومتی در هیئت‌های اجرائی و نظارت در این دور تعداد قابل توجهی از «خودی‌ها»ی اصلاح‌طلب توسط نزدیک‌ترین هم‌فکرانشان به بهانه‌ی اجرای قانون، رد صلاحیت شدند و از نیروهای «غیرخودی» نیز، جمع کثیری حذف شدند. با این همه، این بار اعتراض به «رد صلاحیت‌ها» به ویژه در طیف دگراندیشان در مقیاسی گسترده، صورت نگرفت یا کم‌تر انعکاس یافت. ظاهراً آنان به حداقلی از «امکان حضور» قناعت داشته‌اند و اکنون آن را تأمین شده یافته‌اند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که «تفاهم» اعلام نشده‌ئی میان سه نیرو در جامعه موجب شده است که آنان تاکنون آرام و با «چراغ خاموش» به سوی انتخابات شوراها نزدیک شوند:

– اقتدارگرایان به امید کسب حداقلی از مشروعیت برای نظام، انداختن تقصیر عدم استقبال از شوراها به گردن اصلاح‌طلبان حکومتی و تنزل آنان به کارگزاران مزیات خود در رد صلاحیت هم‌اندیشانشان و دیگراندیشان.

– اصلاح‌طلبان حکومتی به امید حفظ تناسب موجود در قدرت، لقای نهاد شوراها و رفع شاخص‌ترین نقائص و نارسائی‌های آن

– و اصلاح‌طلبان غیرحکومتی و دگراندیشان سلبی-سذهبی به امید سهم‌گیری بیشتر در ارگان‌های قانونی هدایت‌گر جامعه به پشتوانه‌ی آرای مردمی که از جناحین حکومتی رویگردان شده‌اند.

این نیروها در دوره‌ی پیش تا آستانه‌ی ورود به شوراها در شهرهای بزرگ پیش رفتند و در بسیاری از شهرهای متوسط و کوچک به نیروی هدایتگر شوراها تبدیل شدند و همین امر یکی از دلایل موفقیت شوراها در شهرهای کوچک و متوسط بوده است.

این بار اگر آنان بتوانند در شهرهای بزرگ نیز به وزنه‌ی قابل توجهی در شوراها تبدیل گردند، طبعاً با مناسبات جدیدی در میان نیروهای حاکمیت مواجه خواهیم بود.

علاوه به «تفاهم» اعلام نشده‌ئی که از آن یاد شد، حرکت در جهت ائتلاف‌های پیش از انتخابات از دلایلی است که موضع‌گیری‌های نیروهای مذکور را تا این لحظه به تعویق انداخته است.

شواهد نشان می‌دهد که لیست اقتدارگرایان در تمام شهرهای بزرگ کاملاً متفاوت با دیگران است و از سوی دیگر تمایل جدی از طرف اصلاح‌طلبان حکومتی و ملی مذهبی‌ها و نهضت آزادی برای نشان دادن همسوئی و ائتلاف میانشان وجود دارد. گرچه در شهرهای بزرگ ائتلاف میان آنان در حدی نیست که به ارائه‌ی لیست مشترکی بیانجامد. اما حضور افراد معینی از این یا آن طیف در لیست‌های جداگانه‌ی این نیروها بسیار محتمل است. امری که در شهرهای متوسط و بسیاری از شهرهای کوچک نمود بیشتری خواهد یافت.

در روستاهایی که انتخابات در آن برگزار می‌شود و اغلب شهرهای کوچک تعداد داوطلبان تنها اندکی از کرسی‌های نمایندگی شوراها بیشتر است. در این موارد انتخاب‌کنندگان امکان گزینش چندانی ندارند و به جای انتخاب کردن، بیشتر با این سؤال مواجه هستند که چه کسی را انتخاب نکنند. امکان کم انتخاب در کنار شناخت نزدیک‌تر از کاندیداها جو انتخابات را در این نواحی آرام‌تر می‌کند و این امر به نوبه‌ی خود در میزان شرکت مردم تأثیر جدی می‌گذارد.

شواهد نشان می‌دهد که این بار مردم کشور ما بسیار تعدیل شده‌تر از دوره‌ی اول، در انتخابات این دور شوراها شرکت خواهند کرد. در بخش‌هایی از کشور که در دور پیش حدنصاب لازم برای برگزاری انتخابات تأمین نشد، این بار چنین حدنصابی اغلب تأمین شده است و بر این اساس انتظار می‌رود که در آن نواحی استقبال از انتخابات پیش از پیش باشد. اما برعکس در اکثر نقاط کشور با توجه به تجارب کسب شده، از نخستین دوره‌ی شوراها و مشاهده‌ی بی‌حاصلی نسبی آنان، تمایل به مشارکت به شدت کاهش پیدا کرده است. امری که نامطلوب اما واقعی می‌نماید.

«احزاب» و آن بخش از گروه‌های سیاسی که تمایل به تأثیرگذاری در روند انتخابات دارند، هنوز به رایزنی‌های خود پایان نداده‌اند، قرائنی بر وجود ستادهای انتخاباتی فعال کاندیداهای مستقل از احزاب وجود ندارد، رسانه‌ها به‌ویژه «صدا و سیما» اخبار جذابی درباره‌ی انتخابات شوراها منعکس نمی‌کنند و مردم کشور اشتغالات ذهنی دیگری را در سر دارند.

در این اوضاع و احوال است که همگان با چراغ خاموش، آرام به انتخابات شوراها نزدیک می‌شوند.

آنان که پیش‌تر می‌روند امیدوارند که در لحظه‌ی مناسبی چراغ‌ها را روشن کنند و با روشنایی هر چراغ، چراغی دیگر روشن شده و در نوربارانِ ایجاد شده، حادثه‌ئی تازه پدید آید.

اما هر واکنش زنجیره‌ئی هر قدر هم که سرعتی بالا داشته باشد برای ایجاد تغییری کیفی احتیاج به زمان معینی دارد.

بی‌شک در روزهای آتی و به ویژه در روزهای نزدیک به انتخابات شاهد شور انتخاباتی معینی در جامعه خواهیم بود که می‌تواند میلیون‌ها نفر را به پای صندوق‌های رأی بیاورد. احتمال غالب این است که انتخاب‌کنندگان کسانی را به شوراها بفرستند که از اقتدارگرایی فاصله‌ی بیشتری دارند و تخصص بیشتری در اداره‌ی امور شهری دارند. از این رو انتظار می‌رود که شوراهای بعدی، مردمی‌تر، تخصصی‌تر و امروزی‌تر باشند. اما احتمال مشارکت کم حدود ۲۳ میلیون واجد حق رأی که به هیچ‌وجه بعید نیست، می‌تواند در صورتی که از حد نصاب معینی پایین‌تر رود، مشروعیت کل انتخابات را به زیر سؤال برد. امری که هزینه‌ی بالایی برای کلیت رژیم خواهد داشت.

درکشور ما امکان نظرسنجی نیست و نظرسنجان به بند کشیده می‌شوند. در چنین شرایطی، پیش‌بینی‌ها نه بر مبنای داده‌های دقیق و صحیح، بلکه از طریق قرائن و شواهد می‌تواند صورت گیرد و و از این رو از استفامت کافی برخوردار نیست. با این حال با قاطعیت می‌توان گفت که انتخابات شوراهای پیش رو هشداری جدی از جانب اکثریت غالب مردم به هر دو جناح حاکمیت خواهد بود تا از روش‌های کنونی خود دست بردارند و به «مردم‌سالاری» بدون اطلاق صفتی به آن تن دهند.

خاتمی: ایران استخراج اورانیوم را آغاز کرده است

علنی شدن استخراج اورانیوم در ایران: چرا اکنون؟

محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی فاش کرد ایران استخراج اورانیوم را آغاز کرده است. وی بار دیگر این ادعا را تکرار کرد که کل برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و از جمله استخراج اورانیوم، خصلت صرفا مسالمت آمیز دارد. با این حال، کارشناسان بدین نکته اشاره کردند که بسیاری از اجزای یک برنامه هسته‌ای، از جمله استخراج اورانیوم، می‌تواند هم مصرف غیرنظامی و هم مصرف نظامی داشته باشد. بیهوده نیست که خراستخراج اورانیوم، تاکنون محرمانه بود و حکومت تصمیم گرفت آن را از زبان یک مقام عالی‌رتبه اعلام کند. مقامی که طراحان سیاست خارجی جمهوری اسلامی، او را قابل اعتمادترین دولتمرد جمهوری اسلامی از نظر جامعه بین‌المللی تشخیص داده‌اند. تصمیم سران حکومت بر این قرار گرفته است که رابطه به زعم خود حسنه خاتمی با چهان خارج را برای کاستن از عواقب ناگوار اعتراف به استخراج اورانیوم بکار گیرند.

واکنش‌های بین‌المللی در قبال نطق خاتمی، گسترده بود. دولت ایالات متحده، اقدام ایران به‌استخراج اورانیوم را دلیلی دیگر در اثبات تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای دانست. در مقابل، روسیه لازم دید تاکید کند ایران، فاقد تکنولوژی لازم برای غنی‌سازی اورانیوم است.

به نظر می‌رسد زمان اعلام خبر مذکور، تصادفی انتخاب نشده است. سران جمهوری اسلامی به خوبی می‌دانند که برنامه هسته‌ای آنان، زیر ذره‌بین جامعه بین‌المللی قرار دارد. اکنون که مسئله عراق، در مرکز توجه جهان قرار گرفته است و آمریکا قادر نیست به طور همزمان، افکار عمومی داخلی و نیز متحدان بین‌المللی خود را علیه هم عراق و هم ایران بسیج کند، جمهوری‌اسلامی زمان را برای فرار به جلو، مناسب تشخیص داده است. حکومت ایران به خوبی می‌داند که در ازمدت، قادر به مخفی نگه‌داشتن جزئیات برنامه هسته‌ای خود نیست. اگر استخراج اورانیوم در ایران، زمانی فاش می‌شد که جامعه بین‌الملل و به ویژه آمریکا، از بحران عراق فراغت یافته بود، جمهوری اسلامی به مشکل بزرگی دچار می‌شد. اما اکنون که خود حکومت در علنی‌کردن بخش دیگری از برنامه هسته‌ای خود پیشقدم شده است، می تواند امیدوار باشد که از این طریق، از فشارهای بین‌المللی در آینده کاسته است. علیرغم تکذیب‌های رسمی مقامات حکومت ایران، اشارات دویهلو و مکرر سران جمهوری اسلامی به قدرت اتمی اسرائیل، افکار عمومی بین‌المللی را نسبت به صحت ادعای حکومت ایران مبنی بر صرفا غیرنظامی‌بودن برنامه هسته‌ای ایران، به شدت بی‌اعتماد کرده است. اگر ریگی به کفش جمهوری اسلامی نبود، صدتها پیش از بازرسان سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای دعوت می‌کرد بدون هیچ‌گونه محدودیتی از همه تاسیسات هسته‌ای ایران بازدید کنند، از همه از و آکنورهای هسته‌ای آزمایشی و تحقیقاتی که تحت مسئولیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار دارند،اگر برنامه هسته‌ای ایران آن گونه است که سران حکومت می‌گویند، چرا بخش مهمی از آن، یعنی استخراج اورانیوم، تا کنون مخفی نگه داشته شد؟

بلندپروازی هسته‌ای جمهوری اسلامی که ادامه سیاست رژیم شاه است، بر تنش‌ها در روابط بین‌المللی می‌افزاید و از این رو مغایر با منافع ملی ایران است. اگر افکار عمومی در ایران با توجه به این حقیقت که ایران به نیروگاه اتمی نیازی ندارد، به حکومت برای دست کشیدن از پروژه‌های اتمی خود فشار وارد آورد و موفق شود به این پروژه‌ها پایان دهد، یک عارضه جنبی منفی دیگر این برنامه که تشنج در مناسبات خارجی است، از میان خواهد رفت.

۳۲ کشور جهان دارای رآکتور هسته‌ای برای تولید برق‌اند. هیچ یک از کشورهای عضو اوپک، در این فهرست نیستند. از میان کشورهایی که تا کنون رسما دارای تاسیسات هسته‌ای نبوده‌اند، تنها ایران است که در حال حاضر، یک نیروگاه اتمی در دست ساختمان دارد. از اواسط دهه هشتاد قرن بیستم میلادی تا کنون، سهم انرژی هسته‌ای در تولید برق جهان که طی ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۶ از ۲ درصد به ۱۶ درصد افزایش یافته بود، در همین حد ۱۶ درصد باقی مانده است.این توقف رشد سهم انرژی هسته‌ای، تا حد زیادی از عواقب فاجعه چرنوبیل است.

ایران، دارای منابع سرشار نفت و گاز است که نه تنها برای مصرف داخلی، بلکه برای صادرات و تامین بخش اعظم درآمد ارزی کشور کفایت می‌کند. علاوه براین، شرایط اقلیمی ایران اجازه استفاده گسترده از انرژی خورشیدی و باد را می‌دهد. همچنین نباید از یاد برد که در ایران به صرفه‌جویی در مصرف انرژی تا کنون تقریبا هیچ توجهی نمی‌شود. به دلیل ارزان‌بودن نسبی انرژی در کشور ما، انگیزه‌های اقتصادی کافی برای صرفه‌جویی وجود ندارد. در چنین شرایطی، دولت ایران باید با سرمشق گرفتن از کشورهای پیشرفته صنعتی، بودجه و سوبسیدهای لازم را به صرفه‌جویی انرژی اختصاص دهد (به عنوان نمونه، در برخی از کشورها برای رعایت اصول صرفه‌جویی انرژی در ساختمان، دولت سوبسیدی را به صورت در اختیار گذاشتن وام ارزان‌قیمت در نظر می‌گیرد).

فاجعه چرنوبیل نشان داد که ایمنی انرژی اتمی، توهمی بیش نیست. در آوریل ۱۹۸۶، انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین، سراسر منطقه حول نیروگاه را به طرز مرگباری آلوده کرد. تا کنون، دهها هزار نفر بر اثر این حادثه جان خود را از دست داده‌اند. ضایعات ژنتیک ناشی از سانحه، تا چندین نسل ادامه خواهد داشت. اکنون، جمهوری اسلامی تکنولوژی هسته‌ای را از همان منبعی خریده که نیروگاه چرنوبیل را طراحی کرده است. اتحادیه اروپا میلیاردها دلار بودجه به جایگزینی نیروگاه‌ها در غرب و شرق اروپا اختصاص داده است و نظر به خطراتی که از ناحیه نیروگاه‌ها، مردم اروپا را تهدید می‌کند، حاضر است هزینه خاموش‌کردن نیروگاه‌های اتمی اروپای شرقی را بپردازد. و درست همزمان با خاموش شدن این نیروگاه‌ها، مشابه آنها در ایران به‌کار می‌افتد.

جای تاسف است که افکار عمومی ایران تا کنون به خطرات زیست محیطی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی بی‌اعتنا مانده است. شاید برداشتی نادرست از «غرور ملی»، مانع از آن شده باشد که در شرایط پافشاری آمریکا بر جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران، کارشناسان و نخبگان ایرانی مخالفت خود را با این طرح ابراز کنند. اما خطرات طرح‌های اتمی جمهوری اسلامی بزرگتر از آنست که چنین ملاحظاتی قابل توجیه باشد. هزینه صرف‌شده تا کنون برای برنامه هسته‌ای ایران نیز بسیار کمتراز بودجه‌ای است که در آینده باید به جبران ضایعات زیست‌محیطی انرژی هسته‌ای اختصاص داد. حتی اگر هیچ سانحه‌ای نیز رخ ندهد، معضل زباله‌های اتمی کافی است که کل استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق را در ازمدت غیراقتصادی کند.

خبرگزاری‌ها از شکست راهپیمائی حکومتی ۲۲ بهمن خبر دادند

۲۲ بهمن ۲۴امین سالگرد انقلاب علیرغم تمام تلاشی که توسط همه جناحهای حکومتی صورت گرفت با استقبال چندانی روبرو نشد. در حالیکه خبرگزاری‌های رسمی ایرنا و ایسنا خبر از راهپیمایی میلیونی در تهران و سراسر ایران داده بودند. خبرگزاری فرانسه از حضور دهها هزار نفری مردم در مراسم تهران خبر داد. در این راهپیمایی شعارها علیه آمریکا و اسرائیل متمرکز بود.

در قطعنامه ۱۰ ماده‌ای این مراسم بر حسن نیت مردم نسبت به نظام و رهبری و محکوم‌کردن لشکرکشی متجاوزانه دولتهای غیرمسلمان به خلیج فارس و راه‌اندازی دوباره جنگ توسط آمریکا و تهدیدات این کشور تاکید شده بود.

محمد خاتمی در این مراسم خطاب به سیاستمردان و دولتمردان آمریکا گفت که ملت ایران در دفاع از آرمانهای انقلاب، در پاسداری از استقلال خویش و برای پایدارکردن مردم‌سالاری دینی کاملا متحد است و هر متجاوزی با خشم و نفی همه مردم ایران روبرو خواهد شد. او گفت که امیدوار است که آمریکا که یک بار بخت خود را با حمایت از رژیم شاه آزموده است دچار توهم نشود و بخواهد از واپس‌مانده‌های رژیم گذشته استفاده کرده و بخت خویش را در مقابله با ملت ایران بیازماید.

خاتمی در ملاقات با سفیران و نمایندگان مقیم تهران گفت که استراتژی حمله و اقدام پیشگیرانه آمریکا یکی از بزرگترین خطرات برای بشر امروز است. او این استراتژی را مغایر با حقوق بین‌الملل و حاکمیت دول و امنیت بین‌الملل دانست، و استراتژی جدید آمریکا نقش بین‌المللی در استقرار صلح نفی می‌کند.

جرج ترنت رییس سازمان سیا گفت که رژیم ایران پابرجا ولی شکننده است و واشنگتن از نزدیک و به دقت زور آزمایی بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران تهران را زیر نظر دارد. آمریکا چشم‌انداز یک تغییر ناگهانی و بروز ناامنی تهدیدکننده در ایران را جدی می‌گیرد. و با این پیش فرض مراقب اوضاع است. او با طرح اینکه از دست‌دادن مساعدت و همکاری روسیه پیگیری برنامه تولید سلاحهای هسته‌ای را دچار اختلالاتی نموده ولی آمریکا تلاشهای خود را همچنان ادامه می‌دهد. او گفت که ایران در راستای تولید سلاحهای میکربی و شیمیایی پیش می‌رود و می‌تواند در آینده با مجهزشدن به موشکهای قاره‌پیما امنیت آمریکا را به خطر اندازد. دولت ایران قبلا آمادگی خویش را برای پذیرفتن بازرسان سازمان بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران اعلام کرده بود.

جایزه معتبر عکاسی برای عکسی از ایران

یک عکاس به نام اریک گریگوریان جایزه سالانه معتبر «عکاسی خبری جهان» را برای عکسی که از ایران گرفته دریافت کرده است. این عکس پسربچه‌ای را نشان می‌دهد که در ماتم مرگ پدرش، در حالی که در بالای قبر او نشسته، تکه‌ای از لباس پدرش را در بغل می‌فشارد. این عکس سیاه و سفید سال گذشته در مراسم تدفین یکی از قربانیان زلزله در استان قزوین گرفته شده که در اثر آن پانصد نفر کشته شدند. اریک گریگوریان که در شهر لس‌آنجلس آمریکا زندگی و کار می‌کند جایزه «عکاسی خبری جهان» و جایزه نقدی ده‌هزار دلاری خود را در روز ۲۷ آوریل امسال در شهر آمستردام دریافت خواهد کرد.

خزعلی: امام فرمود مواظب باشید در جمهوری اسلامی زن رئیس جمهور نشود.

ابوالقاسم خزعلی عضو سابق شورای نگهبان در گفتگو با ایسنا گفت: وقتی برای تدوین قانون اساسی به همراه خبرگان، پیش امام رفتیم، امام تذکراتی دادند اما در بین آن عده که به احزاب مختلف منتسب بودند، نتوانستند آشکار سخن نگویند. بعد از جلسه، امام به سه چهار نفر از جمله بنده، آقای بهشتی و به نظرم آقای مشکینی گفتند شما بنشینید. امام فرمود مواظب باشید مال مردم را از بین نبرند. اگر مالی از حلال به دست آمده، نگویند باید بین فقرا تقسیم شود و دیگر این که مواظب باشید در جمهوری اسلامی زن رئیس جمهور نشود. آقای بهشتی خیلی با زرنگی گفت: «رجال سیاسی»... او در بخش دیگر گفت: می‌خواهند یک عده را به دست مجلس براندند و این‌ها ترمز می‌کنند. ترمز را می‌خواهند پاره کنند. مثل چندتایی که الان در مجلس نامحرم هستند و نمی‌توانستند راه پیدا کنند. می‌خواهند باز هم بمانند. چند سال دیگر که باز انتخابات شروع می‌شود، پرونده آن‌ها بسته می‌شود.

وی در باره تایید صلاحیت خاتمی گفت: ممکن است برخی صحبت‌هایی کرده باشند. ولیکن کمتر کسی خاتمی را در آن زمان می‌شناخت، بنده چون می‌شناختم، صلاحیت ایشان را تایید نکردم گفتم ایشان در وزارت ارشاد هم خوب کار نکرد. من رای نمی‌دهم. آقای علیزاده هم رای نداد و الان هم بر رای خودمان هستیم. وی در باره مخالفت خود با خاتمی گفت: از غرب‌زدگی نگرانم. با این اصلاحات دارند راه را برای آمریکا باز می‌کنند. او در باره دسته‌بندی موافقان و مخالفان نظام گفت: الحمدالله موافقان که بسیجیان هستند. قوی‌اند و اگر یک روزی خطر پیش بیاید، بسیجی‌ها آن‌ها را از صحنه بیرون خواهند کرد.

او در مورد حضور روحانیون در دستگاه‌های اجرایی گفت: تا زمانی که اسلام پیاده شود. این آزادی که دارند به بی‌بند و باری مبدل شد. برخی دختر و پسرها با وضع بد امسال در ماه رمضان نماز سمبلیک خواندند و انحراف را تا آنجا کشاندند که برخی دانشجویان ما در ماه رمضان سیگار کشیدند.